فصل سوم – بخش سوم

1. **صفات ثبوتی و سلبی خدا را تعریف کنید و برای هر کدام دو مثال بزنید ؟**

صفات ثبوتی آن دسته از صفات اند که کمالی را از کمالات خدا بیان میکنند و جنبۀ ثبوتی و وجودی دارند و نبود آنها نقص محسوب میشود . مانند : علم و قدرت و حیات و ... . به این لحاظ که مایۀ جمال و زیبایی موصوف اند به آن صفات (جمالیه ) نیز گفته میشود.

صفات سلبی آن دسته از صفات اند که نقص و کاستی را از خدا نفی میکنند. مانند : جهل و ناتوانی و ... . از آنجا که نقص نوعی سلب کمال است ، بنابراین سلب سلب کمال نوعی به اثبات و کمال برمیگردد.

1. **صفات ذاتی و فعلی خدا را تعریف کنید و برای هر کدام مثال بزنید ؟**

صفات ذاتی آن دسته از صفات اند که از ذات الهی انتزاع می یابند. این صفات را بدان رو ذاتی می نامند که همواره با ذات الهی اند و ر انتزاع آنها نیاز به تصور موجودات دیگر نیست . مانند : علم و قدرت و حیات و ...

صفات فعلی آن دسته از صفات اند که از ارتباط ذات الهی با مخلوقات انتزاع میشوند . مانند صفت خالقیت که از وابستگی وجود مخلوقات به ذات الهی انتزاع میگردند . یعنی آنگاه خدا به صفت خالقیت منصف میشود که او و مخلوقات و رابطۀ وجودی میان آنها را در نظر بگیریم.

1. **نحوه شناخت و سخن و نسبت دادن صفات به خدا را بگویید ؟ (مراجعه کنید به صفحه 100، سه خط آخر عنوان «علم الهی» قبل از عنوان مراتب علم خدا)**

اگر بخواهیم یک صفت کمالی را به خدا نسبت بدهیم ، باید آن را از نقص بزداییم و در بالاترین درجه که مناسب مقام خداوند است بر او اطلاق کنیم.

1. **سه مرتبه علم خدا را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

الف) علم به ذات : ما به اجمال می دانیم که خدا به ذات خود آگاه است . حتی ما آدمیان نیز به ذات خود آگاهیم ، پس خدا که خالق ماست به طریق اولی به ذات خود علم و آگاهی دارد. ب) علم به موجودات و مخلوقات پیش از آفرینش آنها

ج) علم به موجودات و مخلوقات پس از آفرینش آنها

1. **دو صفت سمیع و بصیر را دو مورد خدا چگونه توضیح می دهید ؟**

بینایی و شنوایی یا سمیع و بصیر بودن خدا به علم او برمیگردد . زیرا معنای سمیع و بصیر بودن چیزی جز علم به مسمومات و مبصرات نیست . بنابراین وقتی می گوییم خدا بیناست یعنی به امور مرئی و دیدنی علم دارد و چون میگوییم خدا شنواست . یعنی به آنچه شنیدنی است علم دارد. البته که سمیع و بصیر بودن مستلزم عضو مادی نیست چون خداوند موجودی غیر مادی است و خالق همه چیز است.

1. **تاثیرات شگرف و آثار تربیتی توجه به صفت علم خدا را توضبح دهید ؟**

اگر انسان ایمان داشته باشد که در هر حالی خداوند به او علم حضوری دارد و همیشه در محضر الهی است ، به راحتی از گناهان اجتناب میکند ، با میل و انگیزۀ بیشتری به کارهای نیک اقدام میکند ، هیچگاه احساس تنهایی و حیرت و سرگشتگی نمی کند و در مقابل مشکلات دنیا استقامت بیشتری می ورزد . اعتقاد به نظارت الهی نیز از طریق ایمان به آگاهی و علم الهی بر اعمال و رفتار انسانها بدست می آید و نقش مهمی در خود کنترلی و بهبود مدیریتها دارد.

1. **قدرت را تعریف کنید و دو دلیل برای قدرت داشتن خدا را توضیح دهید ؟**

از صفات ذاتی و ثبوتی خدا است و یکی از نامهای خداوند قادر است. قدرت آن است که اگر قادر بخواهد ، فعل را انجام دهد و اگر نخواهد ، انجام ندهد. فاعلی که کار خود را با اراده و اختیار انجام میدهد را قادر میگویند. 1- اعطا کننده کمال فاقد کمال نیست. برخی خداوند ، از جمله انسان متصف به صفت قدرتند و از این طریق می توانند مصنوعاتی پدید آورند حال انسان با تمام اوصافش مخبوق خداست بنابرین باید خداوند نیز دارای صفت قدرت باید تا بتواند قدرت را در مخلوقات ایجد کند. 2- نظم شگفت انگیز مخلوقات نیز دلیل علم و قدرت الهی است . چون علت این موجودات شگفت انگیز ، قدرت خداست.

1. **قدرت خدا به چه اموری تعلق می گیرد و به چه اموری تعلق نمی گیرد؟ (بحث عمومیت قدرت خدا)**

خدا بر هر چیزی تواناست . قدرت خدا ، به اموری تعلق میگیرد که امکان تحقق دارند . بنابرین آنچه ذاتاً ممتنع یا مستلزم امتناع و محال است متعلق قدت نخواهد بود. قدرت خدا به محالات ذاتی تعلق نمیگیرد و انی هیچ محدودیتی برای قدرت الهی پدید نمی آورد زیرا این امور قابلیت ایجاد ندارند**.**

1. **از طریق توضیح ویژگی های مشترک حیات موجودات طبیعی، صفت حیات را در مورد خدا توضیح دهید ؟**

ویژگی مشترک حیات موجودات طبیعی ، ادراک و فعالیت است . نشانه های حیات در گونه ها موجودات طبیعی را فعالیت و عالم بودن دانست. حال اگر این دو مفهوم را از نقص و محدودیت پاک سازیم آنچه می ماند معنای حقیقی و لب و جان آنهاست . از آن جایی که خداوند دارای دو صفت علم و قدرت است و عالم بودن همسان علم و قدرت است ، میتوانیم خدا را به صفت حیات متصف کنیم و هنگامی که میگوییم خدا حیّ است یعنی موجودی است که هم قدرت انجام فعل را دارد و هم به ذات خود و موجودات دیگر که مخلوق اویند عالم است.

1. **سه نظر از نظرات بیان شده در کتاب را درباره اراده بگویید ؟ دو صورت اراده خدا را نام ببرید و توضیح دهید ؟**

1-گروهی اراده را اعتقاد به سودمندی فعل میدانند و کراهت را اعتقاد به ضرر فعل . چه بسیار مواردی که در آن اعتقاد به سودمندی وجود دارد ولی انگیزه انجام عمل و اراده حاصل نمیشود.

2-گروهی اراده را به شوق نفسانی معنا کرده اند که به دنبال اعتقاد به سودمندی فعل حاصل میشود.

3-گروهی گفته اند که اراده کیفیتی نفسانی است که بین علم یقینی و فعل قرار دارد و از آن به قصد و عزم نیز تعبیر شده است.

الف ) اراده الهی به این معناست که خدا افعال خود را بدون اجبار و اکراه انجام میدهد زیرا موجودی برتر از او وجود ندارد تا او را به عملی وادارد. این اراده به معنای اختیار است.

ب)اراده الهی به معنای علم خدا به نظام اصلح و احسن است . که پذیرش این معنا در واقع انکار اداره خداوند است .

1. **دو معنای حکمت را نام ببرید و بر اساس یکی از معانی بگویید چرا خدا حکیم است؟**

1-افعال فاعل در نهایت اتقان و استواری و کمال باشد و هیچ نقص و کاستی به فعل اون راه نیابد.

2-قبح و بیهوده نبودن فعل فاعل است : بر اساس این معنا میگوییم خداوند حکیم است به این معنا که خدا کار قبیح و زشت و لغو و عبث و بیهوده انجام نمیدهد و صفت حکت به این معنا یک صفت سلبی است. دلیل آن است که ایجاد افعال قبیح و بیهوده ناشی از جهل یا ناتوانی فاعل و یا نیازمندی اوست که می دانیم خداوند از همه این نقص ها پیراسته است و در نتیجه افعال او حکیمانه است.

1. **دو مورد از موارد استفاده از صفت حکمت را در بحث های کلامی نام ببرید ؟**

1-حکمت الهی اقتضا میکند که خدا رسولانی را برای هدایت انسان ها ارسال نماید. چون انسان برای هدفی آفریده شده است که این هدف همانا تکامل معنوی و روحی او است و انسان به تنهایی نمیتواند به این هدف نایل گردد.

2- حکمت خدا اقتضا میکند که مرگ پایان زندگی نباشد ، زیرا انسان ظرفیت جاودانه زیستن را دارد.

1. **تعریف عدل را بنویسید و بگویید چرا خدا عادل است ؟**

مقصود از عدل ، قرار دادن هر چیز و هر کس در جای مناسب خود است ( عدالت هر چیز را در جای خود می نشاند – امام علی - ) بنابراین معنا خدا در جهان هرچیز و هر کس را در جای بایسته و شایسته خود قرار داده است به گونه ای که حق هیچ کس تباه نمی گردد. دلیل اینکه خدا هیچگاه کار زشت و ظالمانه انجام نمیدهد و تمام افعال او متصف به عدل است این است که فاعلی که به عمل زشت و ظالمانه دست می زند یا از قبح آن آگاه نیست یا به آن اعمال نیازمند است تا نیازی از نیاز های خود را برطرف سازد که ذات خدا عاری از هر گونه نقص و کاستی است و بنابراین خداوند عادل است.

1. **اقسام عدل خدا را بنویسید و یکی را توضیح دهید ؟**

1- عدل تکوینی

2-عدل تشریعی : بدین معناست که خدا بوسیلۀ پیامبران بر مردم نازل کرده است ، پایۀ عدل و دادگری است یعنی اولا همه احکام لازم برای سعادت انسان را فرو فراستاده است و ثانیا هیچ انسان را بیش از توان و ظرفیتش مکلّف نساخته است ( ما هیچکس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید ، و به آنان هیچ ستمی نمی شود. )

3-عدل جزایی

بخش چهارم – مسأله شر

1. **مساله شر کدام یک از صفات خدا را به چالش می کشد؟ اقسام شر را بگویید و برای هر کدام مثال بزنید ؟**

مسئله شر ، یکی از صفات سه گانه خدا یعنی : علم ، قدرت مطلق و خیر خواهی را به چالش می طلبد ؛ زیرا خدای ادیان ، خدایی است که هم قادر است و مطلق و هم کاملا خیر خواه

1-شر اخلاقی : نتیجۀ عامل انسانی است – مانند : دزدی و قتل و غارت و جنگ

2-شر طبیعی : بدون مداخله عامل انسانی است – مانند : زلزله و آتشفشان و سیل و طوفان و طاعون

1. **راه حل های مساله شر را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

1-لازمۀ جهان مادی

2-ناشی از آزادی انسان

3-ناشی از جزئی نگری : اینگه انسان بسیاری از امور را شر می داند ریشه در قضاوتهای سطحی و جزئی و تنگ نظرانه و شتاب زده دارد. اگر آنان آگاهی جامعتر و وسیعتری داشتند هیچگاه برخی امور را شر تلقی نمیکردند. خداوند از روی علم و حکم خود این جهان را بنا کرده که هر چیزی در جای خودش است اما آدمیان از دانش اندکی برخوردارند بنابرین نیمتوانند جهان را به درستی داوری کنند. به طور مثال انسان چاه فاضلاب را میبیند و آن را شر میبیند در حالیکه اگر بصیرت کامل از ساختمان داشته باشد ، خواهد دید که وجود چاه نه تنها بد نیست که لازم نیست هست.

4-ناشی از جهل انسان

1. **3 پاسخ از پاسخ های داده شده به اشکال «کم تر بودن خیرات نسبت به شرور» را بنویسید ؟**

1-این نظر خلاف وجدان آدمی است. چون انسان به منافع مثلا آتش می نگرد منافع و خیرات آن را بر بدی هایش ترجیح می دهد و همچنین است هر شئ ای دیگر که در این جهان وجود دارد.

2-در همه این شرور ، آدمی خود را ملاک و معیار می داند . اگر این معیار را کنار بگذارد ، در نظر او چیزی در عالم بشر شر نیست.

3-انسان بسیاری از امور را شرّ می پندارد به این دلیل که باعث مرگ او می شوند اما اگر مرگ را نه پایان زندگی بلکه ورود به دنیای دیگر بداند ، بسیاری از آنها شرّ لحاظ نمی شوند.

1. **راز و فواید شرور را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

1-شرور ، لازمه ذاتی عالم ماده

2-شرور ، علت شکوفا شدن استعداد ها

3-شر ، عاملی برای بیداری از غفلت

4-شرور ، هدیه ای به بندگان خاص

5-شرور ، آزمون الهی : گاه خداوند بندگانش را با مصیبت و سختی می آزماید تا مؤمان راستین باز شناخته گردند ، درست همانگونه که آدمیان ، طلای ناخالص را با حرارت ، ناب میکنند و زیبای و بهایی بیشتر به آن می بخشند. ( آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها میشوند و آزمایش نخواهند شد ؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم.

بخش پنجم – توحید و شرک

1. **6 مورد از مراتب توحید را نام ببرید ؟**

1-توحید در ذات 2-توحید در صفات 3-توحید در خالقیت 4-توحید در ربوییت 5-توحید در حاکمیت 6-توحید در اطاعت 7-توحید در تقنین و تشریع 8-توحید در عبادت و پرستش

1. **مقصود از توحید در ذات را بنویسید ؟**

مقصود آن است که خدا یگانه ، بی همتا و بی مانند است و ذات خدا به گونه ای است که تعدد و کثرت بر نمی دارد و نمی توان در عالم خارج و ذهنت ، برای او فرد دیگری را تصور کرد. ( او یکی است ، و برایش در میان موجودات ، مانندی نیست. )

1. **علت بطلان تثلیث چیست ؟**

1- هر یک از این سه خدا ( خدای پدر ؛ خدای پسر و خدای روح القدس ) دارای وجود و شخصیت مجزا و جداگانه ای هستند. یعنی هر یک از آنها خدایی مستقل می باشند که در این صوت یا یکتایی خدا مخالف است.

2- اینکه سه خدا دارای یک شخصیت بوده و هر یک جزئی از آن را تشکیل می دهند ، در این صورت نیز مستلزم ترکیب بوده و با بساطت خدا مخالف است.

1. **توحید صفاتی را تعریف کنید و بگویید آیا صفات خدا عین ذات اویند یا غیر از ذات او ؟ چرا ؟**

خدا همۀ صفات کمال را دارد و عقل و وحی بر وجود این کمالات در ذات خدا دلالت می کنند. بنابراین خداوند دانا ، توانا ، زنده ، شنوا ، بینا و... است . از آنجا که مغایرت آنها در ذات خدا ، ملازم با کثرت و ترکیب در ذات الهی است ، صفات مزبور ، در عین اختلاف مفهومی در مقام عینیت وحدت دارند . بدین سان ، صفات ذاتی خدا ، در عین قدیم و ازلی بودن ، عین ذات اویند.

1. **توحید در خالقیت به چه معناست ؟ آیا اعتقاد به خالقیت خدا به معنای نفی اصل علیت است ؟ چرا ؟**

به این معناست که در عالم ، آفریدگار و خالقی جز خدا ، وجود ندارد و هر موجودی که لباس هستی پوشیده است ، مخلوق و آفریدۀ اوست. ( بگو : خدا خالق همه چیز است و او است یکتا و پیروز )

توحید در خالقیت به معنای نفی اصل علیت در نظام هستی نیست ، زیرا وجود و نیز علیت اشیاء از مظاهر ارادۀ خدا به شمار می روند. خداست که به خورشید و ماه ، گرمی و درخشندگی عنایت کرده است .

1. **توحید در ربوبیت به چه معناست ؟ دو جلوه آن را بنویسید و یکی را به دلخواه توضیح دهید ؟**

به معنای آن است که تنها خدا در اداره و تدبیر و کارگردانی جهان و انسان موثر است . توحید در بوییت دو جلوه دارد :

1-تدبیر تکوینی : مقصود از آن ، کارگردانی جهان آفرینش است بدین معنا که ادارۀ جهان هستی همانند ایجاد و احداث آن ، فعل خداوند یکتا است. در کار های بشری تدبیر از احداث تفکیک پذیر است اما تدبیر جهان جدا از آفرینش گری نیست. 2-تدبیر تشریعی

1. **دو ویژگی قانونگذار را بنویسید و بگویید چرا تشریع و تقنین تنها از آن خداست ؟**

1-انسان شناس باشد ، یعنی به همۀ رموز و اسرار جسمی و روانی انسان به طور دقیق آگاه باشد.

2-از هر نوع سودجویی پیراسته باشد ؛ زیرا قانونگذاران ممکن است تحت منافع شخصی و... قانون وضع نمایند.

تشریح و تقنین تنها ویژۀ خداست ، زیرا کسی که می تواند زمام امور زندگی بندگان خدا را بدست گیر ، جز خدا نیست.

1. **دو صورت از وظیفه ابلاغ پیام خدا توسط پیامبر را بنویسید ؟**

1-دریافت و ابلاغ آیات الهی که بر قلب پیامبر نازل می شوند

2-تبیین آیات الهی که در قالب احادیث متجلی شده اند

1. **توحید در حاکمیت به چه معناست ؟ آیا انسان ها هم حق حکومت دارند ؟ چگونه ؟**

منظور آن ست گه حق حکومت اصالتاً مربوط به خداست و حکومت دیگران باید به اجازۀ خاص یا عام او باشد. حکومت پیامبران و اولیای الهی همگی به اذن خداست. بله حق حکومت دارند با این شرط که صلاحیت آنها مورد تأیید خدا و قرآن و روایات باشد.

1. **عبادت به چه معناست ؟ بنا بر توحید در عبادت، قضایایی همچون سجده ملایک بر آدم، سجده برادران یوسف بر حضرت یوسف و بوسیدن اشیای مقدس را چگونه نفسیر می کنید ؟**

عبادت آن است که انسان در برابر موجودی خضوع کند با این اعتثاد که او به طور مستقل سرنوشت جهان و انسان را و یا بخشی از سرنوشت آنها را در دست دارد ، رب و مالک جهان و انسان است . آن قضایای مطرح شده ، عین توحید است زیرا با این اعتقاد انجام گرفت که اولا آنها در سرنوشت انسان و جهان مستقل از خدا دخالت ندارند و ثانیاً به فرمان خدا و یا تکریم و تعظیم عبدصالح خدا بوده است و این امر چیزی جز عبادت خدا نیست.

1. **4 راز از اسرار نماز را نام ببرید ؟**

1-تجلی یاد خدا 2-تجلی وحدت 3-عامل رفع فاصله طبقاتی 4-مایۀ پرهیزگاری 5-اطاعت پذیری 6-مایۀ پاکیزگی 7-تجلی اخلاص

1. **آیا خدا به عبادت ما نیاز دارد ؟ دو اثر عبادت را بنویسید ؟**

خداوند نامحدود و نامتناهی و پیراسته از هرگونه نقص و نیاز است و نیازی به پرستش ما ندارد در حالیکه عبادت وسیلۀ تکامل و سعادت ما انسان ها محسوب می شود و دستور او به عبادت ، لطف و مرحمت و راهنمایی خواهد بود و ما را به کمال شایسته می رساند.

1-پرستش خدا حس تقدیر و شکرگذاری را در انسان زنده میکند.

2-عبادت و پرستش خدا مایۀ تکامل روحی انسان است.

بخش ششم – معاد و جاودانگی انسان

1. **دو معنای لغوی و اصطلاحی معاد را بنویسید و بگویید چرا انسان به تحقیق درباره معاد علاقه من است ؟ (دو دلیل)**

لغوی: بازگشتن/ اصطلاحی: دوباره زنده شدن آدمی پس از مرگ

1. انسان ذاتا علم دوست و حقیقت جو است به ویژه درباره آنچه با زندگی او در ارتباط است.
2. شناخت غایت و هدف زندگی برای انسان از اهمیت زیادی برخوردار است چون در شکل گیری فعالیت ها و اعمال انسان نقش مهمی دارد.
3. **منابع شناختی آدمی برای تحقیق درباره معاد را نام ببرید و یکی را به دلخواه توضیح دهید و نقد کنید ؟**

1)علوم تجربی 2)علوم عقلی 3)علوم عرفانی 4)علوم وحیانی

4)راه کسب شناخت صحیح و تفصیلی درباره معاد و عالم غیب، وحی و تعالیم انبیا الهی است که از جانب خداوند که عالم و قادر مطلق و خالق انسان و عوالم مختلف است به انسان ارزانی داده شده است. چنین آموزه هایی از هرگونه خطا و اشتباه مصون است. بنابر این بیشتر بحث های درباب معاد برگرفته از تعالیم انبیا الهی است.

نقد: ممکن است در نقل و نشر اموزه های پیامبران، کاستی و تحریف ایجاد شده باشد! با گذشت زمان و تغییر وضع و عملکرد جامعه انسانی، قطعا نیاز به بروزرسانی اطلاعات میباشد و سخنان چندین هزار سال گذشته معتبر نیست! ضمن اینکه پیچیدگی و ادبیات سختی برای بیان این مسائل به کار می رود و فهمیدن و درک چنین موضوعاتی از این راه آسان نیست!

1. **وابستگی بحث معاد به روح را با توجه به نظرات مطرح در باب حقیقت انسان توضیح دهید ؟**

از دید قرآن انسان موجودی دو بعدی است: ترکیبی از بدن مادی و حقیقتی به نام نفس یا روح انسانی. حقیقت انسان همان روح اوست که با متلاشی شدن، تغییر و پیوند عضو جدید به بدن مادی باقی می ماند. در طول ده ها سال زندگی دنیوی انسان ثابت و باقی است. در لحظه مرگ فرشته وحی آن را از انسان میگیرد و دوباره بدن مادی به این حقیقت ثابت ملحق میشود. و میگوییم همان انسان گذشته بازگشت نموده است. در واقع ترکیبی از معنای لغوی و اصطلاحی کلمه معاد، از این رو به هم وابسته اند.

1. **4 مورد از نمونه های مشابه معاد را نام ببرید ؟**

1)ابراهیم و احیای مردگان 2)زنده شدن عزیر 3)اصحاب کهف 4)زنده شدن مردگان به دست عیسی 5)رویش گیاهان

1. **براهین عقلی معاد را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

1) برهان فطرت 2) برهان حکمت 3) برهان عدالت: از صفات خداوند عدل است و آفرینش او هم بر پایه عدالت میباشد. در جهان میبینیم که فاضلی به پاداش اعمال خوبش نرسیده یا شروری به کیفر اعمال بدش؛ از آنجا که دنیا ظرفیت تحقق همه پاداش ها و مجازات ها را ندارد و چون خدا عادل است و در حق هیچکس ظلم نمیکند و نیکان و بدان را با هم برابر نمیداند پس پاداش و کیفر هر عمل را به تناسب میدهد و باید جهان دیگری باشد که عدالت خدا را برتابد و در آنجا پاداش و کیفر هرکس بنابر عملش داده شود.

4) برهان معقولیت

1. **به چه دلیل برخی معاد را انکار می کنند ؟**

1) دلیلی ندارند و از سر جهل است. 2) با اعتقاد به معاد دیگر نمیتوانند جامه عمل به امیال نفسانی و شهوانی خود بپوشانند. میخواهند راه برای گناه باز باشد و درفساد و خوشگذرانی بیشتر غوطه ور شوند، بهانه می آورند. 3) حقیقت انسان همین بدن مادی است و اگر افرینش جدیدی برای انسان باشد، پیوندی با نخستین ندارد و انسان دیگری خواهد بود. 4) زنده کردن انسان و آغاز زندگی جدید خارج از قدرت الهی است. 5) عدم توانایی خدا در به یاد آوری و آگاهی بر اجزای بدن ها و اعمال انسان ها

1. **شبهات مربوط به امکان معاد را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

1)علم فاعل 2) قدرت فاعل 3) اعاده معدوم: حقیقت انسان همین بدن مادی است که با متلاشی شدن از بین میرود و اگر افرینش جدیدی برای انسان باشد، پیوندی با آفرینش نخستین ندارد و انسان دیگری خواهد بود. در لحظه مرگ عزرائیل جان و روح انسان را میگیرد که همان حقیقت انسان میباشد و آن باقی است و بدن متلاشی میشود که با بازگشت اجزای مادی، انسان به حیات خود ادامه خواهد داد.

1. **انواع معاد را نام ببرید و هر کدام را توضیح دهید ؟**

1) معاد روحانی: محشور گشتن روح مجرد در قیامت و عدم حضور بدن / یک رشته پاداش ها و کیفرها و لذت ها و آلام روحی و عقلی نیزز وجود دارد که نفس در ادراک آنها هرگز به بدن و قوای حسی نیازمند نیست.

2) معاد جسمانی: تنها بدن مادی در قیامت محشور شود که باتوجه به اینکه حقیقت آدمی به روح غیرمادی است، قابل تصور نمیباشد.

3) معاد جسمانی و روحانی: علاوه بر باقی ماندن روح مجرد بدن مادی نیز بار دیگر به آن میپیوندد و هردو مورد پاداش ها و کیفر ها قرار میگیرند.

1. **برای هر یک از انواع جسمانی و روحانی معاد دو شاهد از قرآن ذکر کنید ؟**

روح + جسم مادی : احیای مردگان در امت های پیشین/ اصحاب کهف، زنده شدن عزیر

انسان از خاک آفریده شده و به آن بازمیگردد و سپس از آن بیرون می آید: از زمین شمارا آفریدیم و در آن شما را بازمیگردانیم و باردیگر شما را از آن بیرون می آوریم.

گواهی دادن اعضای بدن انسان بر اعمال او : در روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان علیه آنان به آنچه انجام میدادند گواهی می دهند.

جسمانی: سوره ی واقعه با وعده و وعید و ثواب و عقاب هایی که به سه گروه: مقربان، اصحاب یمین، اصحاب شمال

1. **معنای مرگ را بنویسید و بگویید نسبت دادن مرگ به روح و جسم به چه معناست؟**

مرگ = موت در عربی: از دست رفتن قدرت و توان چیزی / بدن انسان قابلیت ابزار بودن خود را برای روح از دست داده و آنها از هم جدا شده اند.

جسم: بدن هر نوع حرکت و جنبش را از دست داده است

روح: روح ابزار جسمانی خود را از دست داده و در واقع نیستی ای در کار نیست و انتقال از مرحله ای به مرحله دیگر زندگی است.

1. **دو دلیل برای وحشت از مرگ را بنویسید ؟**

1. به معاد ایمان ندارند و از حقیقت مرگ بی خبرند یا از کیفر گناهان خویش بیم دارند. کثرت گناهان و سنگینی جرایمشان ترسناک است و نمیخواند در دادگاه عدل الهی رسوا و گرفتار عذاب شوند که این در اولیای الهی نیست.

2. مرگ را پایان زندگی میدانند که از گذر آن همه هستی آنها نابود میشود. که این عامل در مومنین جای ندارد.

1. **انواع مرگ در قرآن را بنویسید و یکی را توضیح دهید ؟**

1)مرگ های دشوار و آسان 2) مرگ تن و قلب 3) مرگ فرد و جامعه 4) مرگ افتخار آمیز: در میان مرگ ها گونه است که شایسته است انسان به آن افتخار کند و آن مرگ در: راه خدا، برپایی قسط و عدل، فراگیری علم و دانش، کسب روزی حلال و کسب معارف الهی و ... است.

قرآن: کسانی را که در در راه خدا کشته میشوند، مرده نخوانید، آنان زندگانند، ولی شما درک نمی کنید.

1. **چه کارهایی در زمان مرگ مورد قبول واقع نمی شود؟ چرا؟**

توبه و ایمان (و آرزوی بازگشت) قبول نمیشود. زیرا توبه و ندامت درصورتی مایه کمال روح است که فرد نادم قادر به انجام گناه باشد، ولی وقتی قدرت و توان از او سلب شده و جز یک راه پیش رویش ندارد، ندامت حاکی از دگرگونی روحی نیست و باهم اختلاف ماهوی دارند. (کافران و تبهکاران در زمان فرارسیدن مرگشان آرزو میکنند که ای کاش برمیگشتیم و کارنیک میکردیم و این هم پذیرفته نیست.)

1. **دو جنبه تربیتی ناآگاهی انسان از لحظه ی مرگش را بنویسید؟**

1) گزینش راه درست زمانی نشانه کمال روح است که انسان حس کند بر انجام و ترک فعل تواناست و نه زمانی که میداند موقع مرگش است. 2) سازندگی روح انسان: اگر باخبرباشیم، ممکن است روح عصیان و نافرمانی خدا به امید توبه در آخرین لحظات تقویت شود ولی اگر زمان مرگ مجهول باشد کمتر گناه میکند زیرا نمیتواند به خود امید توبه در آینده بدهد.

1. **نفخ صور و انواع آن را توضیح دهید ؟**

یکی از نشانه های قیامت نفخ صور است. یکی نفخ مرگ است و پیش از قیامت عمومی رخ می دهد: پیش از برپایی قیامت صدای مهیبی به گوش همه موجودات خواهد رسید که موجب مرگشان میشود و بواسطه آن نظام عالم به هم میخورد. دیگری نفخ حیات است: قیامت برپا میشود و صحنه جهان با نور خدا روشن میگردد و همه انسان ها و حتی حیوانات در یک لحظه زنده میشوند.

1. **8 نام از نامها و اوصاف قیامت را بنویسید ؟**

1.نزدیک بودن 2.حق 3. خبر بزرگ 4.فراخوانی همراه رهبر 5.فریاد 6.پیرکننده 7.حسرت 8. آشکار شدن راز ها

1. **هدف از حسابرسی روز قیامت چیست و حسابرس چه کسی (کسانی) هست[ند]؟**

عدل و حکمت خدا متجلی میشود تا دیگر هیچ عذر و بهانه ای باقی نماند وگرنه خداوند از اعمال نهان و ظاهر هرکس باخبر است.

خداوند(خداوند حسابرسی را کافیست/ در حقیقت بازگشت آنان بسوی ماست و آن گاه حساب آنان بر عهده ماست.) اما برخی نفس آدمی را گویند که در تناقض با مورد اول است و میگوید همه اعمال انسانی بصورت کتابی در برابر دیدگان او نمودار میشود و انسان حقیقت را میبیند. همچنین حسابرسی چنان دقیق و منصفانه است که جای هیچ انکاری نمی ماند و در حقیقت خود انسان بر اعمال نیک و بدش گواهی میدهد و همان حسابرسی خدا را تایید میکند.

1. **8 مورد از متعلق های حساب در روز قیامت را بنویسید ؟**

1) نعمت های الهی 2) قرآن 3) گواهی ها و شهادت ها 4) قتل بی گناهان 5) دروغ ها و تهمت ها 6) راست گویی راستگویان 7) کیفیت بهره گیری از اعضا و جوارح بدن 8) نماز

1. **میزان در روز قیامت به چه معناست و برای چه کسانی میزان قرار داده می شود ؟**

در قیامت اعمال خوب و بد انسان ها را وزن میکنند و کسانی که اعمال نیکشان سنگین تر است رستگارند اما کسانی که اعمال نیکشان سبک است اهل جهنم اند. معیار سنجش اعمال در آن روز حق است.

میزان برای اهل ایمان است. برای مشرکان و گنهکارانی که بر اثر برخی گناهان همه ی کارهای خوب خود را تباه کرده اند و آنان که هیچ شباهتی به پیامبران ندارند میزانی نخواهد بود.

1. **دو دسته از گواهان روز قیامت را بنویسید و برای هر کدام 2 مثال بزنید ؟**

1) شاهدان بیرون از وجود انسان: خدا و زمین

2) شاهدان درون وجود انسان: اعضای بدن و پوست بدن

1. **تجسم اعمال به چه معناست ؟**

اعمال نیک و بد انسان صورتی دنیوی دارند که ما آن را مشاهده میکنیم و نیز صورتی اخروی که هم اکنون در دل و نهاد عمل نهفته است. اعمال انسان در روز قیامت پس از تحولات و تطوراتی که رخ میدهد شکل کنونی شان را از دست داده و بصورت واقعیت اخروی جلوه میابند و موجب فرح یا اندوه انسان می گردند.

1. **8 راه از راههای رسیدن به بهشت را نام ببرید ؟**

1) ایمان و عمل صالح 2) تقوا 3) پیروی از خدا و رسول 4) راستی و راستگویی 5) احسان و نیکوکاری 6) صبر و بردباری در راه خدا 7) اهتمام به نماز 8) انفاق در راه خدا

1. **8 مورد از اوصاف مشترک راستگویان و پرهیزکاران را نام ببرید ؟**

1) برپا داشتن نماز 2) پرداخت زکات 3) وفا به عهد و پیمان 4) بردباری در سختی و دشواری 5) ایمان به خدا 6) ایمان به معاد 7) انفاق به خویشاوندان 8) انفاق به یتیمان و بینوایان

**بخش اول – فصل اول**

1. **دلایل رجحان و ضرورت خودشناسی را نام ببرید و یکی را به دلخواه توضیح دهید ؟**

1-مقدمۀ کمال انسانی

2-پیش درآمد جهان شناسی

3-مقدمۀ خداشناسی

4-حلّال مشکلات انسان : بسیاری از مشکلات روحی و روانی و فکری و اخلاقی انسان ناشی از خودناشناسی است. اگر آدمی حقیقت واقعی خود و هدف خلقت و رابطۀ خود با خدا و موقعیت خود در نظام هستی و تأثیر زندگی دنیوی در آخرت و... را بداند ، بسیاری از مشکلات او حل میگردد و زندگی سعادت آمیزی نصیبش میشود.

1. **دو دیدگاه در باب حقیقت انسان را توضیح دهید ؟**

1-مادی : کسانی که هستی را با ماده برابر می دانند یا انسان را پدیده ای کاملا مادی تلقی میکنند. ایشان معتقدند که با قوانین مادی مبتنی بر حس و تجربه ، میتوان انسان را شناخت و انسان با مردن و متلاشی شدن جسمش ، نابود میگردد.

2-الهی : علاوه بر بعد مادی انسان به بعد غیرمادی او نیز اعتقاد دارند و برای انسان حقیقتی به نام روح قائل اند. ادیان الهی با این نظر همراهند. محور همه تعالیم دین الهی روح آدمی است و اگر به جسم توجه میکنند ب دلیل تأثیر آن در روح است. ابزار مطالعه روح علوم حسی و تجربه نیست بلکه ابزار شناخت آن غیر تجربی و غیر حسی است و انسان با مردن و از بین رفتن جسم ، حیاتی جاودانه را در عالم آخرت پیش میگیرد.

1. **براساس دو اصطلاح قرآنی "تسویه" و "توفّی" توضیح دهید که انسان موجودی دو بُعدی است ؟**

تسویه به معنای خلقت اعضای بدن است که به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط آفریده شده است. توفی به معنای اخذ و گرفتن بی قید و شرط روح انسان در هنگام مرگ توسط فرشتگان است. مشخض است که حقیقت انسان همان است که قابض الارواح می ستاند و آدمی جز روح حقیقت دیگری ندارد و روح نیمی از انسانیت و شخصیت انسان را تشکیل نمی دهد بلکه تمام آن است ؛ بنابراین انسان موجودی دو بعدی نیست.

1. **دو بُعد روح و روان انسان را نام ببرید و توضیح دهید ؟**

1-بعد ادراکی انسان : در دو حوزه فعالیت می کند ، اگر متعلق به شناخت اشیاء آنگونه که هستند با خواهند بود باشد به آن حوزه شناخت نظری میگویند. ولی اگر متعلق به شناخت عمل انسانی از جهت خوب و بد یا باید ها و نباید ها باشد ، به آن حوزه شناخت عملی می گویند.

2-بعد گرایشی انسان : همان تمایلاتی است که با روح انسان سرشته شده اند. هر انسانی ذاتاً از این گرایش ها بهره مند است که شامل گرایش های حیوانی و گرایش های انسانی میشود.

1. **ابعاد ادراکی انسان را نام ببرید و توضیح دهید ؟**

1-ادراک نظری : شناختی که برای انسان حاصل میشود یا از طریق صورت ها و مفاهیم ذهنی است مانند علم به خود که به آن علم حصولی میگویند یا انسان مستقیماً به متعلق شناخت و یا وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد که به آن علم حضوری می گویند.

2-ادراک عملی : شناختی را که مربوط به حوزه عمل یعنی باید ها و نباید ها و خوب ها و بد ها است ، شناخت عملی میگویند ؛ مانند اینکه عدالت خوب است یا انسان باید راست بگوید.

1. **دو نوع شناخت در حوزه ادراک نظری را نام ببرید و توضیح دهید ؟**

شناختی که برای انسان حاصل میشود یا از طریق صورت ها و مفاهیم ذهنی است مانند علم به خود که به آن علم حصولی میگویند یا انسان مستقیماً به متعلق شناخت و یا وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد که به آن علم حضوری می گویند.

1. **گرایش های انسان را نام ببرید، توضیح دهید و برای هر کدام یک مثال بزنید ؟**

1-گرایش های حیوانی (غریزی) : این گرایش ها میان انسان و حیوان مشترک اند. مانند : گرایش به حفظ ذات و صیانت از خود

2-گرایش های انسانی : تمایلاتی که به انسان اختصاص دارند و یا دست کم نشانه های آنها در حیوانات کمتر مشاهده میگردد. مانند : میل و محبت به خدا که ای وی جداناپذیر است. ( امام علی : خداوندا ! تو قلب ها را بر محبت خود آفریده ای )

1. **بحران های فراروی انسان را نام ببرید و یکی را به دلخواه توضیح دهید ؟**

1-بحران معرفتی

2-بجران اخلاقی : امروزه پیشرفت های شگفت آوری در علوم تجربی بوجودآمده اما نتوانسته اند که مشکلات روحی و روانی انسان مانند اضطراب ها و فشار های روانی و... را درمان بخشند. انسان امروزه هویت خویش را از دست داده است و خویشتن را گم کرده است. و علی رغم این پیشرفت های بسیار زیاد صنعتی و ارتباطاتی ، احساس تنهایی میکند. تمام این مشکلات ناشی از عدم شناخت خوبِ هویت و حقیقت انسانی خود است و نقطه اتکا و آرامش خود یعنی خداوند متعال را از دست داده است. انسان موجودی فقیر و وابسته به خداست اما رابطه با خدا را نادیده انگاشته و ناسازگار است.

3-بحران روانی و معنوی

1. **ابزارهای شناخت انسان را نام ببرید ؟**

1-حس یا تجریه 2-وحی 3-شهود عرفانی 4-عقل

فصل دوم - ایمان

1. **معنای لغوی و اصطلاحی ایمان را توضیح دهید ؟**

معنای لغوی : اعتقاد و تصدیق قلبی به چیز یا کسی ، ایمان نام دارد و شخص دارندۀ ایمان را مؤمن میخوانند.

معنای اصطلاحی : اعتقاد و تصدیق قلبی به خدا ، روز قیامت ، کتب آسمانی ، ملائکه و پیامبران و به تعبیری امور غیبی است و کسی که به همه این امور اعتقاد قلبی دارد و به آن ها نیز عمل میکند را مؤمن میگویند.

1. **متعلقات ایمان را نام ببرید ؟**

1-ایمان به خدا 2-ایمان به آخرت 3-ایمان به رسالت پیامبر اسلام و انبیای گذشته 4-ایمان به قرآن و کتب الهی پیشین 5-ایمان به ملائکه 6-ایمان به امامت 7-ایمان به عالم غیب

1. **راههای توانمندسازی ایمان را توضیح دهید ؟**

انسان بایستی :

1-در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض گردد ؛ نه آنکه به برخی احکام ایمان آورد و به برخی دیگر کفر بورزد.

2-به متعلقات ایمان ، علم یابد و بر این علم خویش پیوسته بیفزاید و دلایل متقن و روشنی برای آن پیدا کند و اگر با شبهاتی مواجه است ، با دلایل روشن آنها را از میان بردارد.

3-به متعلقات ایمان بیشتر توجه کند و پیوسته به یاد خدا و قیامت باشد.

4-بکوشد تا به لوازم ایمان پایبند باشد. اگر ایمان دارد ک خدا ناظر اعمال وی است ، گناه نکند. پیوسته به یاد روز قیامت و حسابرسی آن باشد.

5-ایمان خود رابه ظلم نیالاید و حقوق دیگران را رعایت نماید.

6-با تهذیت نفس ، زمینۀ رشد ایمان را در نفس خود تقویت کند.

بخش دوم – وجود خدا

1. **نظرات مختلف در باب لزوم یا عدم لزوم استدلال برای اثبات وجود خدا را بنویسید ؟**

متفکران اسلامی : از آبات و روایات استنتاج کرده اند که وجود خدا بدیهی تر از هر چیزی است.

برخی متفکران غربی مانند پلانتینگا : وجود خدا بدیهی است و نیازی به استدلال و برهان ندارد.

برخی متفکران غربی مانند کی برکه گارد : قبل از استدلال عقلی باید به وجود خدا ایمان آورد و هر گونه استدلال فلسفی در باب خدا بی فایده است و باعث از بین رفتن فرصت عبودیت خدا است.

برخی فیلسوفان : وجود خدا بدیهی نیست و نیاز به استدلال و برهان دارد.

فصل اول – برهان فطرت بر وجود خدا

1. **معنای لغوی و اصطلاحی فطرت را بنویسید ؟**

ماده فطر در اصل به معناری آغاز و شروع است و به همین دلیل به معنای خلق نیز به کار می رود.

فطرت به معنای حالت خاصی از شروع وجود و آغاز و به بیان دیگر نوعی از آفرینش است .

1. **ویژگی های امور فطری کدام اند ؟**

1-در همۀ افراد آن نوع یافت می شوند ، هر چند کیفیت آنها از نظرت شدت و ضعف متفاوت است.

2-همواره ثابت اند نه اینکه در برهه ای از تاریخ افتضای خاصی داشته باشند و در برهۀ دیگر اقتضایی دیگر ( این فطرتی است که خداوند را بر آن آفریده ، دگرگونی در آفرینش الهی نیست )

3-نیاز به تعلیم و تعلم ندارند ، هرچند تقویت و یادآوری یا جهت دادن به آنها ممکن است به آموزش و استدلال نیاز داشته باشد.

1. **دو دسته از امور فطری را نام ببرید، توضیح دهید و برای هر کدام یک مثال بزنید ؟**

1-شناختهای فطری که هر انسانی بدون نیاز به آموزش از آنها برخوردار است : خداشناسی فطری

2-میلها و گرایشهای فطری که مقتضای آفرینش هر فردی است : خداپرستی فطری

انسانهای عادی از تلاش عقلانی برای شناخت خدای معتال یا تذکر پیامبران بی نیاز نیستند.

1. **دو راه تذکر و یادآوری فطرت را بگویید ؟**

1-هرگاه انسان ها از همه جا قطع امید میکنند به خدا روی می آورند ( و چون در دریا به شما صدمه ای برسد ، هر که را جز او می خوانید ناپدید میگردد و...)

2-توجه به مخلوقات و نظم حاکم بر آنها که از آن به آیات و نشانه ها و مذکّرات یاد میشود ( آیا به شتر نمی نکرد که چگونه آفریده شده است و به آسمان که چگونه برافراشته شده است و به زمین که چگونه گسترده شده است و به کوه ها که چگونه بر پا داشته اند ؟ ... )

فصل دوم - برهان علّی

1. **برهان علّی را تقریر کنید ؟**

از راه های اثبات وجود خدا است که از گذر معلولیت عالم به وجود خدا پی می بریم. جهان معلول است و هر معلولی نیازمند علت است. بنابراین جهان نیازمند علتی است که آن علت یا خداست یا در نهایت به خدا می رسد بنابراین خدا وجود دارند.

1. **علت تامه و علت ناقصه را تعریف کنید ؟**

علت عبارت است از موجودی که با وجود آن ، تحقق و وجود موجود دیگر ضرورت پیدا می کند. این علت را علت تامه می گویند. اگر علت به گونه ای نباشد که برای تحقق وجود معلول کافی است ، آن را علت ناقصه می نامند.

1. **علت های 4 گانه را نام ببرید و با ذکر مثال توضیح دهید ؟**

علت فاعلی : معلول از آن پدید می آید.

علت غایی : انگیزۀ فاعل برای انجام کار

علت مادی : زمینۀ پیدایی معلول است و ضمن آن باقی می ماند.

علت صوری : صورت و فعلیتی است که در ماده پدید می آید

1. **انواع علت های فاعلی را نام ببرید و بگویید در برهان علیت از کدام یک بحث می شود ؟**

علت فاعلی دو اصطلاح دارد : 1- فاعل طبیعی : در فیزیک و طبیعیات به کار می رود و منشأ حرکت و دگرگونی اجسام و حالات است .

2-فاعل الهی : در فلسفه و الهیات مورد بحث است و منظور از آن موجودی است که معلول را پدید می آورد و به آن هستی می بخشد . هر گاه از علت فاعلی بحث می شود ، منظور علت فاعلی الهی است.

1. **اصل علیت چیست ؟ شبهه ی " براساس اصل علیت خود خدا هم نیاز به علت دارد" را چگونه توضیح می دهید ؟**

اصل علیت در خلاصه یعنی هر معلولی علتی دارد . و به طور کامل یعنی ( هر معلولی نیازمند علت است ) امری بدیهی است و بر همه موجودات وابسته اعم از مادی و مجرد صادق است. در پاسخ به شبهه باید گفت که موضوع اصل علیت ، موجود به طور مطلق نیست تا بگوییم هر موجودی نیازمند علت است.بلکه موضوع علیت موجود معلول و وابسته است. یعنی هر موجود وابسته نیازمند علت است و خدا معلول و وابسته نیست.

1. **ویژگی ها معلول را بنویسید ؟**

1-گذر زمان او را تغییر نمی دهد. 2-محدودیت مکانی ندارد. 3-حالت او تغییر نمی یابد. 4-سکون و حرکت بر او عارض نمی شود. 5-خداوند مثل و مانند ندارد تا از طریق آن شناخته شود. 6-خداوند نه می زاید و نه زائیده شده است. 7-افول و زوال بر او راه ندارد.

1. **دور و تسلسل را تعریف کنید و علت بطلان یکی را بنویسید ؟**

دور و تسلسل یعنی هر سلسلۀ علل تا بی نهایت ادامه یابد با این فرض که هر یک از علت ها ، معلول علت دیگری است.

در این صورت سلسله ای از تعلّقات و وابستگی ها خواهیم داشت و بدیهی است که وجود وابسته بدون وجود مستقل تحقق نخواهد یافت و پس ناگزیر است باید ورای این سلسلۀ وابستگی ها و تعلقات ، وجود مستقلی باشد که همگی آنها در پرتو آن تحقق یابند ، زیرا مجموع بی نهایت محتاج و وابسته هزگر غیر محتاج و مستقل و غنی نخواهد شد ، همچنان که مجموع بی نهایت صفر ؛ عدد صحیح نخواهد شد.

فصل سوم - برهان نظم

1. **ساختار مشترک برهان نظم را بنویسید ؟**

عالم طبیعت ، پدیده ای منظم است یا در عالم ، پدیده های منظم وجود دارد. هر نظمی بر اساس بداهت عقلی از ناظمی حکیم و باشعور ناشی می شود که از روی علم و آگاهی ، اجزای پدیده منظم را با هماهنگی . آرایش خاصی و برای وصول به هدف مشخصی کنار نهاده است. بنابراین عالم طبیعت بر اثر طرح و تدبیر ناظم باشعوری پدید آمده است.

1. **نظم را براساس سه عنصر سازنده آن تعریف کنید ؟**

نظم ، گرد آمدن اجزای متفاوت باکیفیت و کمیت ویژه ای در یک مجموعه است به گونه ای که همکاری و هماهنگی آنها ، هدفی معین را پی می جوید. سه عنصر سازنده اصلی مفهوم نظم : 1-طراحی و برنامه ریزی دقیق 2-سازماندهی حساب شده 3-هدفمندی

1. **تقریرهای مختلف برهان نظم را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

1-برهان هدفمندی

2-برهان نظم از موارد جزئی

3-برهان هماهنگی در کل عالم : بر هماهنگی و نظم کل عالم تأکید دارد تا ناظم حکیم را برای عالم اثبات کند. این گونه هماهنگی را می توان از ارتباط و سازواری اجزای عالم با همدیگر به اثبات رساند. پیشرفت های علوم تجربی این حقیقت را نشان داده شده است که اجزای عالم چنان سازوار تنظیم شده اند تا زندگی را در آن ممکن سازند. ( امام علی : پس خداوند آفرینش را آغاز کرد ... و اجزای مخالف را با هم سازوار ساخت ) جهان مجموعه ای هماهنگ است که از سر حکمت و علم و تدبیر آراسته شده است و این هماهنگ کننده و نظم دهنده کسی جز خدا نیست.

بخش سوم - صفات خدا

1. **سه دیدگاه در باب امکان شناخت صفات خدا را نام ببرید و توضیح دهید ؟**

1-دیدگاه اهل تعطیل : عقل آدمی راهی به شناخت اوصاف الهی ندارد. آدمی با مفاهیم محدود پیرامون خود انتزاع میکند و جایز نیست این مفاهیم را به خدا نسبت دهد. زیرا که خداوند هیچ شباهتی با مخلوقات ندارد. او موچودی قائم به ذات و غنی و هستی مطلق است.

2-دیدگاه اهل تشبیه : صفات الهی و انسان از نظر معنا تفاوتی با یکدیگر ندارند و دقیقا به یک معنایند و برای خدا اعضا و جوارح جسمانی در نظر گرفته اند.

3-دیدگاه اثبات بلاتشبه : عقل انسان می تواند اوصاف خدا را بازشناسد و علاوه بر آن به بررسی و تحلیل آن نیز بپردازد ؛ اما این بدان معنا نیست که به کنه صفات راه یابد. انسان صفات خدا را به گونۀ محدود می شناسد.

1. **در نسبت دادن صفات به خدا، راه حل چیست ؟ ( بالای صفحه 88 )**

هر صفت انسانی که به خدا نسبت داده شود ، چون خدا مثل و مانندی ندارد و از هر نقصی مبرّا ست ، باید جنبه محدودیت و امکانی آن ، سلب شود و آنچه از کمال برای آن باقی می ماند به خدا نسبت دهیم.

فصل دوم - راههای شناخت صفات خدا

1. **راههای شناخت صفات خدا را نام ببرید و یکی را توضیح دهید ؟**

1-راه عقلی 2-سیر در آفاق و انفس

3-قرآن و روایات : یکی از راه های شناخت اوصاف الهی ، مراجعه به قرآن و روایات معتبر است. پس از آنکه وجود خدا و برخی صفات او و همچنین بعثت و برخی صفات کمالی پیامبر اسلام به اثبات رسید ، می توان از طریق قرآن و روایات معصومین ، بسیاری از صفات الهی را باز شناخت.

4-کشف و شهود

1. **هم در راه عقلی و هم در سیر در آفاق و انفس از نیروی عقل استفاده می کنیم؛ تفاوت این دو راه در چیست ؟ ( انتهای صفحه 93 و ابتدای صفحه 94 )**

تفاوت این است که در راه عقلی همۀ مقدمات ، عقلی اند اما در سیر آفاق و انفس برخی مقدمات از مشاهده جهان منظم اخذ می شوند و نتیجه می گیریم که جهان منظم است.

1. **توقیفی بودن اسماء و صفات خدا یعنی چه؟**

برخی متکلمان مسلمان اعتقاد دارند که صفات و اسمای الهی توفیقی اند. معنای توفیقی آن است که مسلمانان در مقام وصف خدا باید تنها از صفاتی استفاده کنند که در قرآن و روایات معتبر مطرح شده اند و نباید برای خدا صفتی بسازیم که قرآن و روایات به او نسبت نداده اند. وصف خدا منوط به اذن خداست.